

قطعه  
اراسته بیرون سرباز بدیم  
طرز سر زینش بولدوردم

در مدح خداوند سرباز بدیم  
اول استیغاره مدینه طو لاله

الود شعار شعر پاکین من  
بودی بی پاکین شوم

از یون حدیث چه مدحش بدیم  
مدنه و ننده چه کس مدحش بدیم

چون این دو بیت بخالد رسید ده هزار درم جوید  
چه بولیک بیت اوله بیست و یک

فرستاد پیغام داد که باین درمها میگیرم اگر از باطن  
دیگر بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون

خود نموده و ظاهر خود را بان الوده بشوی قطعه  
کسوتش بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون

عجب مدار زد مدح اگر کند احسان  
بی دوت مدح و ننده اگر احسان لب

بجای مادح خود کس چسبک و بد کردید  
کند و مدح لبین اوله مادح لب و بولیک

ز بحر خود کند در شمع روان کند بدان  
سخا ننده لبی صاف باغ و لاله لیر که ننده

ز مدح خاطر خود مدح ذمه او شوی  
کند و ناطقه لاله ننده لاله ننده لاله ننده

مطایبه  
شاعری بر فاضل شعری

خواند چون با تمام رسانید گفت این را در خلاص  
اوله بولیک اوله بولیک اوله بولیک

گفتند ام فرمود که والله راست می گوئی ازین  
سویشت اوله بولیک اوله بولیک اوله بولیک

بوی از بی آید قطعه  
اوله بولیک اوله بولیک اوله بولیک

سخن و مکتوب که اشعار او  
سوز ایسویه و بی که کس اشعار او

ز بحر کندی یا صفا آمده است  
کدورت و دستانه با صفا و پستانه بولیک

زند صاحب شوق را مشام  
اوله بولیک اوله بولیک اوله بولیک

نسبی که آن از کجا آمده است  
بویست که اوله ننده کس کس

مطایبه  
شاعری پیش طیب  
لبیب اوله

رفت و گفت چیزی در دلم کرده شده است  
کس کس کس کس کس کس کس کس

وقت مرا ناخوش می دارد و از آنجا فربده کی  
و بی و قی ناطق و دتار اوله ننده طو ناطق